

احکام کیفری مرتبط با رمزارزها با نگاهی به پرونده‌های موسوم به «کینگ‌مانی» و «کریپتولند»

امین تویسرکانی

قاضی دادگستری، دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

✉ matinarjmand3@gmail.com

محمدتین ارجمندفر

کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نرگس فرزانه کندری

استادیار گروه فناوری‌های نوین پژوهشکده قوه قضاییه، تهران، ایران

چکیده: نظام عدالت کیفری زمانی که فاقد زیرساخت‌های تقنینی و اجرایی مکفی برای مدیریت پدیده‌های پیچیده و نوظهور است، در مواجهه با فعالیت‌های ابهام‌آلود حوزه رمزارزها و بعضاً خیل کثیر زیان‌دیدگان از این پدیده چالشی جدی را تجربه می‌کند. در چنین شرایطی نقد و بررسی آرای صادرشده با هدف پی‌ریزی یک رویه قضایی منسجم به منظور صدور آراء متقن و عالمانه اهمیتی آشکار دارد. مقاله حاضر به روش اسنادی و با بهره‌گیری از شیوه‌توصیفی تحلیلی به بررسی رویه قضایی در خصوص پرونده‌های کیفری مربوط به رمزارزها با محوریت دو پرونده برجسته موسوم به «کینگ‌مانی» و «کریپتولند»، پرداخته است. یافته‌ها نشان داد خلأ قانونی، پیچیدگی‌های فنی رمزارزها و عدم آگاهی کافی دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری از مسائل فنی و ماهوی این حوزه در کنار استناد به قوانین عرصه پول و ارز و مصوبات دولتی محدود راجع به رمزارزها که فاقد توان جرم‌انگاری هستند، منجر به بروز چالش‌هایی جدی چون بهره‌گیری غیرفنی از عناوین رمزارز جعلی و صرافی ساختگی در استدلال قضایی و بعضاً عدم انطباق عناوین مجرمانه‌ای نظیر کلاهبرداری، اخلال کلان در نظام اقتصادی و تحصیل مال از طریق نامشروع با فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها شده است. در شرایط کنونی و فقدان نصوص قانونی، رویه قضایی باید ضمن درک جامع و مانع از مباحث فنی رمزارزها بتواند فارغ از اهمیت پرونده در سطح جامعه، ناهنجاری‌های حوزه رمزارز و بلاکچین را در قالب عناوین صحیح کیفری تطبیق دهد و از چهارچوب یک سیاست کیفری دقیق و منطبق با قانون خارج نشود.

واژگان کلیدی: رمزارز، رویه قضایی، جرم‌انگاری، اخلال در نظام اقتصادی، کلاهبرداری، جعل

استناد: تویسرکانی، امین؛ ارجمندفر، محمدتین و فرزانه کندری، نرگس. (۱۴۰۴). احکام کیفری مرتبط با رمزارزها با نگاهی به پرونده‌های موسوم به «کینگ‌مانی» و «کریپتولند». فصلنامه رویه قضایی، ۱(۱)، ۳۷-۶۰.

<https://doi.org/10.22034/juris.2025.726791>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

فناوری بلاک‌چین (Blockchain) و ظهور پدیده رمزارزها (Cryptocurrency) در بستر آن، فرصت‌ها و چالش‌های عدیده‌ای را پیش روی جوامع معاصر قرار داده است. با تمام تشابهات و اختلافاتی که در خصوص تعریف و تبیین ماهیت این پدیده و کارایی و کارویژه انواع گوناگون آن وجود دارد (خادمان و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۵۱؛ نوری و نواب‌پور، ۱۳۹۷: ۴-۱۰) در مجموع به‌عنوان تعریف رمزارز می‌توان گفت، رمزارز، نوعی دارایی دیجیتال و مجازی به حساب می‌آید که با شیوه‌های فناوری رمزنگاری (الگوریتم‌های رمزگذاری) و اغلب به صورت غیرمتمرکز (بدون وابستگی به یک نهاد مرکزی مالی از جمله بانک مرکزی) ایجاد و اداره می‌شود. طی مدت کوتاهی رمزارزها با واکنش مثبت و تقاضای چشمگیری در جهان به ویژه از سوی تجار و سرمایه‌گذاران و حتی شهروندان عادی مواجه شد. با این حال دولت‌ها که این پدیده را تهدیدی برای اعمال کنترل و حاکمیت بر زنجیره مالی در چارچوب نظام‌های بانکی می‌دیدند بدو با تردید و سوءظن به آن نگرستند که این امر در کنار پیچیدگی‌های فنی و ابهامات حوزه رمزارزها و نتایج نامعلوم تقنین در این زمینه، منجر به سکوت و تأخیر قانون‌گذاری در بسیاری از کشورها گردید. با این حال رشد روزافزون، خاصیت فناوری است و فناوری برای توسعه و چیرگی، منتظر قواعد حقوقی و مقررات قانونی نمی‌ماند؛ چرا که بسیاری از مردم و نهادها در سراسر جهان امروزه با بحث رمزارزها به نوعی درگیر هستند. بنابراین اغلب نظام‌های حقوقی نیز به جای مقابله مطلق و نفی رمزارزها (که می‌تواند فرصت‌های اقتصادی موجود در این حوزه را نیز برای آنان تباہ کند)، به رویکرد مقررات‌گذاری و تنظیم فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها با تفاوت در سیاست‌های خود در دو طیف تجویز حداکثری و تجویز حداقلی متمایل شده‌اند (ارجمندفر، فرزانه کندری و تویسرکانی، ۱۴۰۳: ۹).

به‌رغم اینکه رمزارزها می‌توانند منشأ توسعه اقتصادی و رونق کسب‌وکار و تسهیل پرداخت باشند اما هم‌زمان به مانند دیگر مظاهر پیشرفت فناوری آستن مشکلات و آفاتی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و حقوقی هستند (کرمی‌پور و رجب‌زاده باغی، ۱۴۰۲: ۲۲۸؛ ساورایی، ۱۴۰۱: ۱۱۳) که به‌ویژه این موارد را می‌توان در چهارچوب نظام‌های حقوق کیفری و با مذاقه در فعالیت‌های سودجویانه و مجرمانه‌ای که با استفاده از رمزارزها به ارتکاب آن اهتمام می‌شود (Woods et al, 2023: 1) مورد بحث و امعان نظر قرار داد. در واقع رشد و توسعه فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها، نظام‌های کیفری را به چالش جدی کشیده (Romeo, 2016: 76) و کنکاش و مطالعه در این حوزه را برای نزدیک‌تر شدن به عدالت و دفاع از حقوق شهروندان از ضرورت بسزایی برخوردار ساخته‌اند. در منظومه حقوق داخلی بیشتر نوشتگان و مطالعات تاکنون متمرکز بر بررسی ماهیت حقوقی و

آثار معاملات رمزارزها و همچنین جواز قانونی و فقهی آن‌ها بوده‌اند و بخش بسیار مهمی از چالش‌های مرتبط با رمزارزها که در نظام عدالت کیفری متبلور شده مغفول مانده است. از جمله اندک تحقیقاتی که پیرامون رمزارزها در چهارچوب حقوق کیفری به انجام رسیده می‌توان به پژوهش نبوی و صابر (۱۳۹۹) در رابطه با مطالعه تطبیقی چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در دادرسی جرایم مرتبط با ارزهای مجازی اشاره نمود که در آن مسائل شکلی دادرسی و چالش‌های آن در حوزه رسیدگی به ارزهای مجازی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (نبوی و صابر، ۱۳۹۹: ۱۸۳-۲۰۹). همچنین خلیلی پاچی و شاملو (۱۴۰۰) در مقاله خود به مطالعه پیرامون جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها پرداخته‌اند (خلیلی پاچی و شاملو، ۱۴۰۰: ۲۹-۶۸). ریاضی‌مند (۱۳۹۷)، در کتابی با عنوان بررسی ابعاد حقوقی ارزهای دیجیتال، علاوه بر مطالعه نگرش حکومت‌ها و وضعیت فعلی رمزارزها در جهان، به بررسی موضوع از منظر حقوق خصوصی، چشم‌انداز فقهی و همچنین بررسی برخی ابعاد کیفری رمزارزها، پرداخته است. رجیبی (۱۳۹۷) نیز در چهارچوب یک گزارش پژوهشی، قانون‌گذاری در کشورهای مختلف در مورد رمزارزها را بررسی نموده و پیشنهادهایی برای ایران در پرتو این مطالعه تطبیقی ارائه نموده است. فراتی، شاملو و گلدوزیان (۱۳۹۹) به طور خاص موضوع پول‌شویی از طریق بیت‌کوین را مورد مطالعه قرار داده و به بررسی راهکارهایی برای مقابله با آن پرداخته‌اند (فراتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۵-۷۴). تاج لنگرودی و دهدار (۱۴۰۳)، ضمن بررسی و رفع شبهات پیرامون مالیت رمزارزها از منظر فقهی و حقوقی، منع مقرر شده در مصوبه هیئت وزیران در خصوص استفاده از رمزارزها در مبادلات داخل کشور را از وجاهت لازم برای بطلان قراردادهایی که در آن‌ها از رمزارزها استفاده می‌شود برخوردار نمی‌دانند (تاج لنگرودی و دهدار، ۱۴۰۳: ۸۷-۱۰۶). ارجمندفر، فرزانه کندری و تویسرکانی (۱۴۰۳) نیز در کتاب خود با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان قضایی به بررسی چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در جرایم مرتبط با رمزارزها و ارائه راهکارهایی برای آن، اهتمام داشته‌اند.

همان‌طور که گفته شد، مطالعه آثار پژوهشی پیشین در حیطه رمزارزها نشان می‌دهد که بیشتر اهتمام نویسندگان پیرامون تبیین ماهیت رمزارزها و احکام آن‌ها و تحلیل رمزارز از منظر فقهی و حقوقی یا بررسی برخی جنبه‌های کیفری و مشکلات دادرسی در این زمینه بوده است و در ارتباط با این دارایی‌های نوین عصر دیجیتال و چالش‌هایی که در نظام عدالت کیفری ایجاد نموده‌اند به ویژه مشکلات عملی و مبتلابه با تأکید بر نقد و بررسی آراء مراجع قضایی، مطالعه و تحقیقی صورت نپذیرفته است.

این در حالی است که طی سالیان اخیر پرونده‌های حائز اهمیت و سنگینی در دادسراها و دادگاه‌های

کیفری کشور پیرامون جرایمی نظیر کلاهبرداری (اعم از کلاهبرداری سنتی و رایانه‌ای)، اخلال در نظام اقتصادی، پول‌شویی و ... با محوریت رمزارزها مطرح شده است و تشتت نظرات، ابهامات و اختلافات قضایی عدیده‌ای را پیرامون انطباق فعالیت‌های مجرمانه حوزه رمزارزها با عناوین مجرمانه مذکور در قوانین کیفری و نیز چندوچون رسیدگی، جمع‌آوری و تحصیل ادله و به طور کلی صدور و اجرای حکم در این خصوص ایجاد کرده است؛ و همین امر ایجاب می‌کند تا به مشکلات و معضلاتی که رمزارزها برای رویه قضایی کیفری ایران در پی داشته‌اند، توجهی جدی داشت.

به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین چالش فراروی دستگاه قضا، صدور احکام قضایی متناسب با اعمال و فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها است؛ پرونده‌هایی که بعضاً منجر به شکایت طیف وسیعی از متضررین گردیده و حساسیت‌های بسیاری را برانگیخته است. پیچیدگی رمزارزها و شناخت ناکافی دست‌اندرکاران حوزه عدالت کیفری در خصوص شرایط صحت فعالیت‌های رمزارزی در کنار فقدان آمادگی و انطباق‌پذیری قوانین و مقررات کنونی برای ساماندهی امور رمزارزها، از جمله عواملی است که رسیدگی قضایی به پرونده‌های مزبور را با موانع و معضلات جدی مواجه نموده است.

بر این مبنا، پژوهش حاضر، با استمداد از منابع کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی تحلیلی، برای نخستین بار در شرایط فقر تحقیقاتی در این حوزه با نگاهی آسیب‌شناسانه و ضمن بررسی موردی دو نمونه از پرونده‌های کیفری برجسته و مهم در نظام قضایی ایران، به تحلیل و نقد رویه قضایی مرتبط با رمزارزها می‌پردازد.

شایان ذکر است بررسی‌ها بر اساس متن آرای قطعی هر دو پرونده مذکور است و همچنین انتقادات وارده صرفاً جنبه تحلیلی و علمی داشته و هیچ‌گونه دفاعی از هیچ‌یک از طرفین پرونده‌ها مقصود نگارندگان نیست. علاوه بر این تبیین و تحلیل آراء مذکور به طور موضعی و تنها با اشاره به نقاط برجسته و کلیدی این آراء و صرفاً در جهت شناخت آسیب‌های نظری و بهبود رویه قضایی در خصوص رمزارزها و انطباق هرچه صحیح‌تر عناوین مجرمانه در پرونده‌های این حوزه صورت پذیرفته است و تحلیل کلیه جنبه‌ها و ابعاد این آراء و قضاوت نهایی راجع به این پرونده‌ها موضوع این تحقیق نیست؛ چه‌اینکه هرکدام از این پرونده‌ها به دلیل کثرت موضوعات و مباحث مطروحه و اهمیت آن‌ها می‌تواند موضوع یک پژوهش مستقل باشد.

۱. پرونده موسوم به کینگ‌مانی؛ نقد ادله و جرایم انتسابی

۱-۱. شرح مختصر پرونده

پرونده نخست موسوم به «کینگ‌مانی» (KingMoney) با بیش از ۲۱۰۰ شاکی و ۸ متهم، معطوف به پروژه‌ای است که توسط یک شرکت بازاریابی شبکه‌ای مشهور توسعه یافت است و پا به عرصه دنیای

بلاکچین و رمزارز گذاشت. حسب دادنامه صادرشده در خصوص این پرونده شرکت مزبور با ساخت و تولید و عرضه یک رمزارز با نام کینگ مانی و صرافی مرتبط با آن به اسم یوتیبایت، به منظور انتقال راحت دارایی در صنعت بازاریابی شبکه‌ای (Network Marketing) در ابتدا کاربران مرتبط با موضوع فعالیت شرکت و بازاریابان را جذب کرده و رمزارز موصوف را در اختیار ایشان گذاشته است و سپس پس از گذشت مدتی با افزایش عرضه و تقاضا و افزایش قیمت، کاربران عادی نیز اقدام به خرید این رمزارز نمودند. قیمت این رمزارز در یک بازه زمانی چندین برابر شده و به لحاظ سوددهی بالا افراد زیادی مبادرت به خرید آن کرده‌اند؛ اما با گذشت زمان، قیمت این رمزارز به شدت سقوط کرده و ارزشی ناچیز پیدا کرده است و بدین ترتیب دارایی افراد بی‌ارزش می‌شود و چندین هزار مالباختگان در این زمینه به وجود می‌آید. رفتار متهمان که نشان از متمرکز بودن کامل این پروژه و قیمت‌سازی‌ها و تبلیغات گسترده جهت خرید این رمزارز دارد، و این امر که نهایتاً کاربران دسترسی خود به دارایی‌هایشان را از دست داده‌اند، در مرحله داسرا و سپس دادگاه با عنوان مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور از طریق ایجاد رمزارز جعلی به اسم کینگ‌مانی و توزیع ارز جعلی بین مردم (سایر اتهامات به دلیل عدم ارتباط با حوزه رمزارز محل بحث نخواهند بود) مورد رسیدگی قرار گرفت و منتهی به صدور حکم قطعی محکومیت با همین عنوان کیفری شد.

در این مورد دادگاه براساس محتویات پرونده و با تکیه بر گزارش‌های ضابط خاص و اطلاعات دیتابیس صرافی «یوتی‌بایت» (UtByte)، نظرات کارشناسان رسمی دادگستری و اظهارات متهمان، اقدامات متهمان در معرفی و عرضه رمزارز کینگ مانی در عرصه و بستر شبکه، احراز اختلال شدید و محدود کردن خروج رمزارزها در صرافی رمزارز یوتی بایت و صرف نظر از دفاعیات وکلای متهمان مبنی بر جعلی نبودن و یا اصیل بودن کینگ مانی به عنوان رمزارز، و با اشعار به این امر که وسیله مذکور توسط متهمان خلق و توزیع شده است و این وسیله مورد معامله مالیت نداشته و افزایش کاذب ارزش برای کینگ مانی با شگردهای انجام شده توسط متهمان ایجاد شده و در نتیجه اقدامات فوق‌الذکر، اموال شکات از سوی متهمان برده شده است، لذا مستنداً به بند الف ماده ۱ و قسمت اخیر ماده ۲ و تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور و دیگر مواد مربوطه قانونی، حکم به محکومیت متهمین بابت اتهام اختلال در نظام اقتصادی کشور از طریق مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای از طریق ایجاد رمزارز جعلی به اسم کینگ مانی و توزیع رمزارز جعلی بین مردم و لذا تحمل حبس و همچنین رد مال در حق شکات، بر اساس ارزش ریالی رمزارز کینگ مانی به طریقه و میزان مندرج در دادنامه که عبارتست از پرداخت معادل یورویی کینگ مانی‌های هریک از شکات به ارزش هر عدد کینگ مانی (۱۹۴۰ یورو با احتساب ارزش ریالی ارز مذکور در زمان

اجرای حکم توسط اجرای احکام) به نحو تضامن در حق شکات به شرح اسامی و تعداد کینگ مانی هر شاکی مندرج در ذیل دادنامه به استثناء... که توسط واحد اجرای احکام مطابق نظر کارشناس رد مال انجام خواهد شد، صادر می‌نماید.^۱

۲-۱. نقد ادله و جرایم انتسابی

باید اذعان داشت که پیچیدگی‌های فنی رمزارزها و همچنین فقدان سیاست جنایی خاص در این حوزه (محمدی و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۴۴؛ غمامی و علی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۵۰) چالش‌های پرونده‌های کیفری رمزارزها را دوچندان کرده است. در پرونده فوق نیز بررسی محتویات پرونده از تحقیقات مقدماتی، گزارش‌های واصله و صدور کیفرخواست تا رأی دادگاه، به طور مشهود نمایانگر نوعی تشمت و عدم درک درست از مباحث فنی رمزارز و متعاقباً عدم انطباق صحیح عنوان مجرمانه با رفتار ارتکاب یافته است.

چالش برانگیزترین عنوان انتسابی و وجه استدلالی دادگاه در پرونده مذکور، عدم اصالت و جعلی بودن رمزارز کینگ مانی است؛ حال آنکه در جهان رمزارزها عنوان جعل معنا نمی‌یابد. با این توضیح که در نظام عدالت کیفری ما عنوان جعل یک عنوان مجرمانه با تعریف خاص است که با ارکان قانونی، مادی و معنوی مشخص در مواد مختلفی از قوانین کیفری مشخص شده است. در ساحت حقوق کیفری، جعل در تعریف سنتی خود، «ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به قصد جا زدن آن‌ها به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر» تعریف می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۲۴۷). البته جعل در معانی عامیانه و عرفی خود هر نوع وارونه جلوه دادن حقیقت و واقعیت نیز گفته می‌شود اما در تعریف حقوقی به صورت خاص و در ذیل مواد قانونی تبیین و تعیین شده است. همچنین جعل اعم از جعل سنتی و رایانه‌ای است (محمدی فردوئی، ۱۳۹۷: ۴۶۱). ماده ۵۲۳ قانون مجازات (کتاب تعزیرات) مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب.» عناصر مهم جعل سنتی در ماده فوق، تقلب (بر روی یا از روی نسخه حقیقی) و قصد آن است. در خصوص جرم جعل رایانه‌ای نیز در ماده ۷۳۴ قانون جرائم رایانه‌ای ملحق به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تعریف شده است. طبق این ماده

۱. دادنامه شماره ۰۳۲۳۹۸۹۰۰۰۳۶۸۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۱، شعبه ۲ دادگاه انقلاب اسلامی شهر تهران ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی، دادگستری کل استان تهران.

هر کس به طور غیرمجاز مرتکب الف. تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا واردکردن متقلبانه داده به آن‌ها، و ب. تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا واردکردن متقلبانه داده‌ها یا علائم به آن‌ها، جاعل محسوب می‌شود و به مجازات‌های مقرر خواهد رسید. همانطور که در این ماده مشهود است رفتار غیرمجاز مرتکب در خصوص تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد و واردکردن متقلبانه داده محور این جرم قرار می‌گیرد.

با این وصف، نه شرایط حاکم بر جعل سنتی و نه شرایط حاکم بر جعل رایانه‌ای برای جعلی خواندن رمازرز کفایت نمی‌کنند. واضح است که در موضوع این پرونده جعل به معنای سنتی آن محقق نشده است چراکه هیچ‌گونه جعلی بر روی سند محقق نشده است و در خصوص جعل رایانه‌ای نیز رفتار متهمان هیچ‌گونه تطابقی با عنوان جعل داده ندارد.

در دنیای رمازرها اساساً صحبت از اصالت یا جعل رمازرها بی‌معنی است چراکه رمازرها به عنوان یک فناوری متشکل در بستر بلاکچین اکثراً به صورت غیرمتمرکز و بدون دخالت هرگونه نهاد رسمی تولید و عرضه می‌شوند و هیچ نهاد و مرجعی ضوابط خاصی را برای تولید و عرضه رمازرها مشخص نکرده است و اساساً رمازرها در چهارچوب یک الگوی واحد و رسمی تولید نمی‌شوند. در نتیجه اینکه رمازری برخی ویژگی‌های سایر رمازرها را نداشته باشد و عیناً شبیه سایر رمازرها نباشد دلیلی برای مجعول و غیراصیل دانستن آن نیست.

شاید بتوان جعل را در معنای عام آن در خصوص رمازرها به کار برد و آن زمانی است که شخصی بتواند رمازری را طراحی نماید که از لحاظ فنی و اجرایی با یک رمازرز دیگر به طور مثال بیت‌کوین، انطباق کامل داشته باشد و آن را به همان نام و اختصار و علامت به جای رمازرز بیت‌کوین به فروش برساند یا دست‌کم بتواند در رمازرز دیگر دخل و تصرف متقلبانه کند، که چنین عملی در حوزه بلاکچین و رمازرز ناممکن است.

در واقع هیچ استاندارد برای تأیید اصالت و رد در حوزه رمازرها وجود ندارد و صرفاً کارشناسان این حوزه از چندین معیار کمک می‌گیرند تا صرفاً بتوانند به صورت حدس و گمان راجع به اصالت یک رمازرز تصمیم‌گیری کنند چراکه مصادیقی وجود دارد که رمازری تعدادی از معیارهای اصالت را نداشته لیکن در برترین رمازرهای جهان با حجم معاملاتی بالا قرار گرفته است، همچنین مواردی دیگر وجود دارند که تمام معیارهای یک رمازرز اصیل را دارا می‌باشند اما از حیث رتبه‌بندی و حجم معاملاتی در رده ۱۰۰۰ به بالا در این حوزه قرار می‌گیرند.

اما به‌ناچار در مقام قضاوت در حوزه رمازرها، تعیین معیارهای فنی برای تشخیص یک رمازرز

معتبر ضروری است. به نظر می‌رسد این معیارها شامل استفاده از فناوری بلاکچین، بهره‌گیری از الگوریتم‌های رمزنگاری پیشرفته، ساختار غیرمتمرکز و شفافیت در کد منبع و مکانیسم اجماع می‌باشند. اگرچه پروژه‌هایی مانند «کینگ مانی» با ادعاهایی مبنی بر عدم شفافیت در وایت‌پیپر، نبود اطلاعات کافی درباره تیم توسعه‌دهنده، عدم لیست شدن در صرافی‌های معتبر و گزارش‌های متعدد از کلاهبرداری، به‌عنوان پروژه‌های نامعتبر شناخته می‌شوند. به‌رحال برای اعتبارسنجی یک رمزارز بررسی دقیق و جامع تمامی جنبه‌های فنی و غیرفنی ضروری است. به هر تقدیر زمانی که مقررات فنی مشخص کنند یک پدیده مجازی به‌عنوان رمزارز شناخته می‌شود و کارشناسان بر اساس معیارهای دقیق و ضوابط مشخص وظیفه تطبیق را داشته باشند نتیجه و خروجی آن خواهد شد که از عناوینی غیردقیقی چون رمزارز جعلی (که اساساً و فی‌نفسه به آن ایراد وارد است) اجتناب شود.

در این پرونده، رمزارز کینگ مانی در فرایند بررسی اصالت، معیارهای اولیه و اساسی فوق‌را دارا است و از این حیث حکم دادگاه مخدوش به نظر می‌رسد. نخست آنکه این رمزارز در سایت‌های مرجعی مثل کوین مارکت کپ (CoinMarketCap) قرار گرفته است، در صرافی‌های معتبر لیست شده و قابلیت تبدیل و تأیید آن در شبکه بلاکچین وجود دارد؛ سپیدنامه این رمزارز نیز (هرچند ناقص) منتشر گردیده است. جملگی این موارد حاکی از آن است که این رمزارز حداقل الزامات و استانداردهای فنی را دارا بوده و قوانین پایه این حوزه را پذیرفته است. در نتیجه واقعی بودن این رمزارز قطعی است ولی با این حال، اعتماد به آن و اعتماد به تیم توسعه‌دهندگان آن می‌تواند مورد تردید قرار گیرد. رمزارزهای بسیاری وجود داشته‌اند که علاوه بر معیارهای مذکور، معیارهای بیشتری را نیز کسب نمودند ولی در گذر زمان به لحاظ نبود تقاضا در خصوص آن‌ها بی‌ارزش شده و یا به دلایل مختلف از بین رفته‌اند و بالعکس آن.

عنوان صرافی ساختگی و جعلی در کیفرخواست، همانند عنوان رمزارز جعلی دارای ابهام و گمراه‌کننده است. گو اینکه استناد به نظریه هیات کارشناسان در رشته کامپیوتر و اطلاعات و جرائم یارانه که حکایت از عدم احراز اصالت رمزارز کینگ مانی داشته، برای جعلی دانستن آن محل ایراد است. چه اینکه عدم احراز اصالت رمزارز برای کارشناسان به دلیل پیچیدگی‌های فنی و ویژگی‌های آن نمی‌تواند مثبت جعلیت آن باشد.

بررسی نظریه کارشناسان درباره عدم احراز اصالت رمزارز کینگ مانی نشان می‌دهد که استدلال‌های آنان عمدتاً بر فقدان معیارهای استاندارد، شفافیت ناکافی در مستندات فنی و وایت‌پیپر، عدم انتشار سورس کد، و عدم تطابق با عرف رایج رمزارزها متمرکز بوده است. این موارد، همراه با تمرکز بر بازاریابی شبکه‌ای و عدم پذیرش در صرافی‌های معتبر، شائبه کلاهبرداری بودن این پروژه

را تقویت کرده است. با این حال، نبود استاندارد قطعی برای تعیین جعلی بودن رمازرها و در عین حال استفاده کینگ مانی از فناوری بلاکچین و رمزنگاری، باعث می‌شود که بحث درباره ماهیت آن و اکتفا به نظریه کارشناسان مبنی بر عدم احراز اصالت رمازرز و به انطباق رفتار با عملیات مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی بر این اساس، همچنان محل ایراد و چالش است.

علاوه بر این، همانطور که در دفاعیات پرونده مندرج شده و نظریات کارشناسی در خصوص سوابق فعالیت‌ها نیز حاکی از آن است، صرافی یوتی بایت با توجه به اسناد موجود، یک صرافی آنلاین بوده و بطور واقعی فعالیت می‌کرده است. از جمله معیارهایی که برای سنجش این موضوع در حوزه رمازرز مورد استفاده قرار می‌گیرد، رمازرهای مورد معامله در آن صرافی و حجم معاملاتی ترید کاربران است.

با این حال بر اساس نظریه کارشناسی دادگستری، رمازرز کینگ مانی عمدتاً در صرافی یوتی بایت معامله شده است و مبادلات داخلی آن به صورت داخلی آدرس دهی شده است، به طوری که تراکنش‌های آن در بلاکچین‌های عمومی قابل رهگیری نیستند. این امر یکی از مهم‌ترین استدلال‌های کارشناسان در عدم اصالت این رمازرز بوده است. همچنین، گزارش کارشناسی تصریح دارد که برخی کیف پول‌های موجود در این صرافی از مانده صفر شروع به کار نکرده‌اند و علاوه بر آن، در سه مرحله تغییراتی در حساب‌های کاربران بدون ثبت تراکنش و بدون الگوریتم مشخص صورت گرفته است. این موارد نشان می‌دهد که داده‌های این صرافی، فاقد شفافیت کافی بوده و نظارت‌پذیری آن با ابهامات جدی روبه‌رو است. با وجود این، نقدی که می‌توان بر این استدلال وارد کرد این است که عدم امکان رهگیری تراکنش‌ها در بلاکچین عمومی، لزوماً به معنای جعلی بودن یک رمازرز نیست. برخی رمازرها از بلاکچین‌های بسته یا خصوصی استفاده می‌کنند که امکان مشاهده عمومی تمام تراکنش‌ها را نمی‌دهد. از سوی دیگر، عدم شروع کیف پول‌ها از مانده صفر یا تغییرات بدون ثبت تراکنش، بیشتر نشان‌دهنده مشکلات مدیریتی و احتمال دستکاری داخلی در صرافی است تا جعلی بودن خود رمازرز. بنابراین، هرچند صرافی یوتی بایت با ابهامات جدی از حیث شفافیت و اعتبار مواجه بوده است، اما استناد صرف به این موضوع برای اثبات جعلی بودن کینگ مانی محل بحث است.

ورود و خروج رمازرهای معتبر نظیر بیت کوین (که به عنوان «استاندارد طلایی» رمازرها شناخته می‌شود (Grinberg, 2012: 159))، به صرافی یوتی بایت و امکان جابه‌جایی رمازرز به پلتفرم‌های معتبر دیگر بر این امر صحنه می‌گذارند. همچنین فرایند «کی‌وای‌سی» (KYC (Know Your Customer)) یا همان احراز هویت کاربران از جمله معیارهای سنجش است. در صرافی یوتی

بایت فرایند احراز هویت طبق دستورالعمل‌های استاندارد انجام شده است. در نتیجه پایه‌های اولیه بر انتساب عناوین مجرمانه دچار اختلال است.

با امعان نظر به مراتب فوق‌الذکر، تولید و توزیع رمزارز جعلی و صرافی جعلی که پایه‌های فنی انتساب عناوین مجرمانه در پرونده مذکور هستند، محلّ تشکیک و انتقاد است. حال با این دو فرض ناصحیح، انتساب عنوان مجرمانه کلاهبرداری و متعاقب آن اختلال در نظام اقتصادی دچار تزلزل می‌گردد. به واقع جرم کلاهبرداری و عناصر مادی و معنوی آن در این پرونده ابهام دارد. کلاهبرداری «بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۵۱) است، لذا در جرم کلاهبرداری استفاده از حيله و تقلب برای بردن مال دیگری باید ضرورتاً محقق و موجود باشد و در رأی دادگاه مورد استناد قرار گیرد. در این پرونده به نظر می‌رسد جعل رمزارز به عنوان بخش اول رفتار رکن مادی بزه کلاهبرداری در نظر گرفته است که با توجه به توضیحات قبلی به نظر می‌رسد استناد و استنباط دقیقی نبوده است. در دنیای بلاک چین و رمزارز که افت و خیز قیمت‌ها امری عادی است و در زمانی که جعلی بودن صرافی و رمزارز را از لحاظ فنی چه به صورت کلی و چه در این پرونده نپذیریم، بخش اول رفتار مجرمانه محقق نیست و در واقع انطباق رفتار ارتكابی با حيله و تقلب و در نتیجه جرم کلاهبرداری ممکن نیست؛ مضافاً که موجود بودن توکن‌ها عنصر بردن مال را دچار تزلزل می‌نماید.

تناقض در نظریات کارشناسی و اسناد پرونده نیز به دلیل همان مباحث و پیچیدگی‌های رمزارزها است. توجیهات ادله دیگر نظیر توقف فروش در صرافی، قیمت‌سازی و مدیریت و دستکاری قیمت با معاملات صوری و ساختگی، دستکاری در کیف پول کاربران، نبود سفارش معتبر خرید و فروش، مخفی نمودن عیب‌های شبکه جملگی مواردی است که اثبات آن در پرونده به دلیل تناقض نظریات کارشناسی مورد نقد است. باید توجه داشت صرف نظر از دشواری و صعوبت اثبات وجود یا عدم برخی معیارها در خصوص رمزارزها، حتی در صورت پذیرش استدلال‌هایی مانند توقف فروش در صرافی، قیمت‌سازی و دستکاری معاملات، تغییرات بدون ثبت تراکنش در کیف پول کاربران، نبود سفارشات معتبر خرید و فروش و پنهان‌سازی نقص‌های شبکه، با در نظر گرفتن وجود سایر معیارهای فعالیت‌های مرتبط با رمزارز، انتساب این موارد به جرم کلاهبرداری و اختلال در نظام اقتصادی محلّ تأمل است. در واقع، تحقق کلاهبرداری مستلزم احراز توسل به وسایل متقلبانه با قصد بردن مال دیگری است، اما وجود توکن‌ها و امکان انجام معاملات، عنصر «بردن مال» را دچار تزلزل می‌کند. علاوه بر این، از لحاظ مبنای حقوقی، هیچ‌یک از این رفتارها لزوماً با جرم اختلال در نظام اقتصادی منطبق نیستند، چرا که معیارهای قانونی این جرم، مانند گستردگی و تأثیر مستقیم بر نظم اقتصادی

کشور، احراز نشده است. از طرفی جای این بحث وجود دارد که برخی از این اقدامات (مانند دستکاری در کیف پول کاربران یا تغییرات غیرمجاز در داده‌های صرافی) ممکن است تحت عناوینی مانند کلاهبرداری رایانه‌ای یا دسترسی غیرمجاز به داده‌های مالی بررسی شوند. از این رو، تفکیک دقیق میان عنوان مجرمانه صحیح و انتساب آن به رفتارهای ارتكابی در پرونده، امری ضروری است که در رأی دادگاه جای خالی آن محسوس است.

بنابراین، چندین مورد از موارد مذکور در حوزه بلاک چین به طور کل قابلیت اثبات ندارد و سایر موارد هم در صورت اثبات یقینی، عناصر جرم کلاهبرداری را چه در قالب کلاهبرداری سنتی و چه در قالب کلاهبرداری رایانه‌ای پوشش نمی‌دهد. نهایتاً در صورتی که جرم کلاهبرداری مورد تشکیک قرار گیرد متعاقب آن کلاهبرداری شبکه‌ای و در نتیجه اختلال در نظام اقتصادی با ابهام روبه‌رو می‌شود.

این در حالی است که مستند دادگاه مبنی بر انطباق عمل بر بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور به واسطه تحقق کلاهبرداری گسترده به لحاظ تعدد شکات و بالا بودن رقم موضوع پرونده که موجب اختلال در نظام اقتصادی شده است، می‌باشد که در مانحن فیه نیز شرایط تحقق بند الف ماده ۱ قانون فوق محل تردید است.

توضیح اینکه در نظام حقوقی ایران قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور جرایمی که موضوع اختلال در نظام اقتصادی می‌باشند را در دو ماده احصا نموده است که با توجه به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ارتكاب این جرایم که منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور شود به گونه‌ای که رفتار مرتکب سبب اختلال شدید در نظم عمومی جامعه و ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی شود، وی، مفسد فی الارض محسوب می‌شود (کمیلی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳). طبق ماده یک این قانون به اختصار موارد اختلال در نظام اقتصادی کشور شامل اختلال در نظام پولی و ارزی از طریق قاچاق ارز، جعل اسکناس و ضرب سکه قلب و ...، اختلال در توزیع مایحتاج عمومی مانند گران‌فروشی کلان و احتکار، اختلال در تولید با فروش غیرمجاز تجهیزات فنی یا ارتشاء در اخذ مجوزها، قاچاق میراث فرهنگی و ثروت‌های ملی، سوءاستفاده مالی از طریق جذب سپرده‌های کلان و حیف‌ومیل اموال مردم، و اقدامات بانندی در صادرات مانند تقلب در پیمان ارزی و قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی است.

در پرونده کینگ‌مانی، خلأ احراز رکن قانونی جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور از طریق ایجاد رمزارز و صرافی مشهود است چه اینکه هیچ‌کدام از بندهای ماده یک را نمی‌توان منطبق بر این رفتار دانست. در واقع، در حال حاضر هیچ قانونی که نشان از جرم‌انگاری در زمینه ایجاد، ترویج، توزیع و یا خریدوفروش رمزارزها و ایجاد صرافی آنلاین داشته باشد؛ وجود ندارد و صرفاً مطابق مصوبه

هیئت وزیران^۱ مقرر گردیده دولت حمایتی از کاربران و معامله‌گران حوزه رمزارز نمی‌کند و ریسک تبعات استفاده از آن را بر عهده خود افراد واگذار شده است.^۲

توضیح اینکه بر اساس ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور ارتکاب اعمال مذکور در بندهای ذیل ماده جرم و مستوجب مجازات محسوب شده است. این موارد در ماده یک عبارتند از:

- «الف - اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا واردکردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.
- ب - اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات موردنیاز عامه و امثال آن‌ها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها.
- ج - اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن‌ها.
- د - هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد.
- ه - وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود.
- و - اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و ...
- ز - تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به‌منظور کسب درآمد

۱. مصوبه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷-هـ مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۹۸؛ موضوع جلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۶ هیأت وزیران که در بند یک آن مقرر داشته است: «استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت خطرپذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می‌گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست». شایان ذکر است بند فوق بر اساس آیین نامه شماره ۱۵۱۴۵۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ هیأت وزیران موسوم به آیین نامه استخراج رمزارزهایی ها، به قوت خود باقی است.

۲. شایان توجه است که موضوع طرح این جرم برای پیش از تصویب قانون جدید بانک مرکزی کشور مصوب سال ۱۴۰۲ بوده است لذا مشمول این قانون نخواهد بود.

ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد».

حال با توجه به مفاد فوق الذکر و تطبیق آن بر فعالیت‌های رمزارزی در پرونده‌های مربوطه، بیش از هر چیز بندهای الف و هـ می‌تواند گزینه‌ی ظاهری مناسبی برای تطبیق و استناد باشد که به تفکیک بررسی خواهند شد. بند الف تصریح می‌دارد: «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا واردکردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن». باید پذیرفت با توجه به بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق کلاهبرداری قابل تحقق نمی‌باشد چراکه بند الف ماده مذکور به صراحت حیطة رفتار مجرمانه این جرم را مشخص نموده است و استنباط خلاف آن با عمومات و اصول حقوق کیفری در تعارض خواهد بود. اخلال در نظام اقتصادی از طریق کلاهبرداری با توجه به عمومات و اصول و با استناد به بند مذکور امکان‌پذیر نیست و عبارت «امثال آن» قطعاً به موضوعات برمی‌گردد که امثال سکه، ارز، اسکناس و غیره مثلاً حوالجات بانکی یا چک‌های تضمین شده و در اینجا امثال نمی‌تواند به رفتار برگردد، چون مخالف اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. اگر این‌طور باشد هر رفتار مجرمانه‌ای ممکن است اخلال در نظام اقتصادی کشور باشد. برای مثال اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق توهین یا نشر اکاذیب یا قتل یا اختلاس و غیره که کاملاً غیرمنطقی و برخلاف اصل تفسیر مضیق و قانونی بودن جرم و مجازات است. در انتهای بند صرفاً به ذکر مصادیق بیشتر از رفتار قاچاق و ضرب، جعل و سایر رفتارهای مرتبط با آن اشاره دارد و نمی‌توان معنای آن را بیش از این بسط داد و پا را از محدوده اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی فراتر نهاد. باید به این نکته کلیدی اشاره داشت که فرض یا قید بند مارالذکر، «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور» است و موارد بعدی که طریقیّت در این امر دارند بایستی محصور در آن باشند در حالی که اساساً رمزارز ماهیتی مجزا از پول یا ارز دارد.

همچنین بند هـ ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور «وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود» را جرم‌انگاری نموده است. از جهات مختلف با توجه به ارکان و شرایط تحقق جرم و به واسطه ظهور کلمه وجوه در پول و لزوم تودیع وجوه به عنوان سپرده (سمیعی زنور و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۱) و همچنین موجبیت نوعی عمل در حیف و میل اموال، از حیث انطباق با فعالیت‌های حوزه رمزارز، ممکن است انطباق این ماده با رفتار متهمین در پرونده کینگ‌مانی مورد ایراد باشد. اما در این میان باید گفت ضمن رد دلایل و جهات دیگر، تنها چیزی که منجر به خروج

فعالیت رمزارز در پرونده کینگ مانی از بند «ه» فوق می‌شود، این است که در پرونده کینگ مانی، استناد به بند «ه» ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور از آن حیث که به وصول وجوه کلان از اشخاص تحت عنوان مضاربه و نظایر آن اشاره دارد، محل تردید است. چه اینکه این بند ناظر بر مواردی است که در آن، اشخاص یا نهادها اقدام به جذب سرمایه یا سپرده از مردم با وعده‌های سوددهی کرده و در نهایت اموال سپرده‌گذاران را حیف و میل کنند. در حالی که در پروژه کینگ مانی، وجوه دریافتی تحت عنوان «قبول سپرده» دریافت نشده است، بلکه خرید و فروش یک رمزارز خاص (کینگ مانی) صورت گرفته است. در واقع، در این پروژه، افراد در ازای پرداخت وجه، توکن‌های کینگ مانی را دریافت می‌کردند و این فرآیند ماهیت فروش دارایی دیجیتال را داشته است، نه جمع‌آوری سپرده‌های نقدی برای سرمایه‌گذاری یا مدیریت وجوه سپرده‌گذاران.

همچنین سایر بندهای ماده مذکور نیز به طور کلی خروج موضوعی داشته و در این مقام قابل بحث نمی‌باشد. در نهایت به نظر می‌رسد پرونده کینگ مانی نشان‌دهنده چالش‌های حقوقی در انطباق مفاهیم سنتی حقوق کیفری با فناوری‌های نو ظهور مانند رمزارزها است. در این پرونده استناد به جرم اخلال در نظام اقتصادی و کلاهبرداری سنتی محل تردید است و انطباق بندهای مربوطه در ماده یک قانون اخلال در نظام اقتصادی کشور بر رفتار متهمین با چالش‌هایی مواجه است. در این پرونده نه پذیرش سپرده‌ای رخ داده و نه جعل رمزارز در مفهوم فنی آن محقق شده است. با این حال، شاید بتوان گفت وجود شواهدی از دستکاری قیمت، معاملات صوری، عدم شفافیت و مشکلات در صرافی یوتی بایت، بررسی پرونده را از منظر جرایم دیگری مانند کلاهبرداری رایانه‌ای یا دسترسی غیرمجاز به داده‌های مالی ممکن نماید. این پرونده نشان می‌دهد که نظام حقوقی کشور نیازمند بازنگری در سیاست‌های کیفری مرتبط با رمزارزها و تعیین ضوابط شفاف برای تمییز پروژه‌های معتبر از مصادیق کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی است.

۲. پرونده موسوم به کریپتولند؛ نقد ادله و جرایم انتسابی

۲-۱. شرح مختصر پرونده

در پرونده دوم موسوم به کریپتولند با بیش از ۲۶۵۰۰ نفر شاکی و ۸ نفر متهم، یک صرافی رمزارز تحت همین نام تجاری که رمزارز مختص به خود با عنوان «بی آر جی» (BRG) را نیز تولید کرده بود پس از چندین سال فعالیت از طرف پلیس فتا با اعتنا به شاخص‌های نداشتن پشتوانه، تبلیغات شعاری، تمرکز عمده سرمایه در چند کیف پول و ایجاد نوسان جهت تخلیه سرمایه مردم، موج‌سازی‌های جعلی و غیرواقعی و همچنین قیمت‌سازی جعلی به عنوان پروژه کلاهبرداری شناخته شد و مدیرعامل این شرکت دستگیر و دسترسی کاربران به کاربری و کیف پول جهت برداشت وجوهشان مسدود گردید و

نهایتاً بر اساس کیفرخواست صادره، اتهامات وارده در دادگاه تحت عناوین تشکیل، سردستگی و مشارکت شبکه سازمان‌یافته اخلاص کلان در نظام اقتصادی (ارزی و پولی) کشور از طریق تصدی به عملیات صرافی غیرمجاز و معاملات غیرمجاز رمزارزی و همچنین مباشرت در اخلاص کلان در نظام ارزی و پولی کشور از طریق خیانت در امانت و برداشت غیرمجاز از نقدینگی کاربران صرافی غیرمجاز کریپتولند و تحصیل مال از طریق نامشروع سپرده‌های مردمی (سایر اتهامات به دلیل عدم ارتباط با حوزه رمزارز محل بحث نخواهند بود) مورد رسیدگی قضایی قرار گرفت.

فرازهایی از رأی صادره هیأت قضایی دادگاه بدین شرح است: «در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی و توجهاً به مفاد کیفرخواست‌های صادره و اظهارات نماینده دادستان و ملاحظه سایر قرائن و امارات موجود بدین استنتاج رسیده‌اند که بر اساس داده‌های مشکوفه از سامانه‌های رایانه‌ای در اختیار متهمین ... و صرافی موسوم به کریپتولند و ... که تصدیق‌کننده اخذ وجوه و دارایی‌های شکات و معاملات رمزارزی با این دارایی‌ها می‌باشد؛ توجهاً به ادله الکترونیک توقیفی و مکشوفه از سامانه‌های رایانه‌ای مورد استفاده در صرافی موسوم به کریپتولند (موسوم به دیتا بیس) و ... و همچنین ادله دیجیتال ... و توجهاً به اینکه تا این مرحله از رسیدگی مجوزی قانونی برای انجام فعالیت مذکور ارائه نگردیده است و توجهاً به اعلام شکایت متعدد و متکثر از جانب شکات در سامانه طراحی شده در مرحله تحقیقات مقدماتی و از طریق ثبت شکوائیه و توجهاً به اعلام شکایات متعدد و متکثر تعدادی از شکات از طریق ثبت شکوائیه که در بیش از ۲۸ مجلد پرونده ثبت گردیده است و سایر شکات ... و همچنین اظهارات هر کدام از متهمین که مآلاً دلالت بر علم و اطلاع ایشان از اقدامات و عملیات و معاملات رمزارزی بدون مجوز و جذب دارایی‌های مردم توسط صرافی موسوم به کریپتولند ولو ... مدافعات و ادعاهای مطروحه در مورد فقدان منع قانونی معاملات رمزارزی و مجاز بودن آن، هیأت قضایی دادگاه پس از تدقیق در دفاعیات مطرح شده ... بدین استنتاج رسیده است که با توجه به ماده ۲۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ و ماده ۱۴ قانون برنامه ۵ ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ که عنوان می‌دارد انجام هرگونه عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی بدون مجوز از بانک مرکزی ممنوع است و همچنین بر اساس ماده نخست قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن هرگونه فعالیتی که متضمن واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجه و سپرده و ودیعه و موارد مشابه تحت هر عنوان و اعطای وام و اعتبار و سایر تسهیلات و صدور کارت‌های الکترونیکی پرداخت و کارت‌های اعتباری باشد از سوی هر شخصی بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع بوده و مستلزم اخذ مجوز تأسیس و فعالیت از بانک مرکزی می‌باشد لذا اشتغال به آن حسب

مورد مشمول مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط می‌گردد؛ بعلاوه طبق ماده ۱۰۸ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پول‌شویی، اشتغال به خدمات مالی برای انتقال پول (ریالی یا ارزی) یا ارزش از جمله دریافت وجه، چک، حواله و سایر ابزارهای پولی یا ذخیره‌های ارزش و پرداخت مبلغ متناظر به هر شکل اعم از وجه نقد و به هر طریق منوط به اخذ مجوز از دستگاه‌های متولی نظارتی مربوط است و تبصره دو ماده مذکور انجام که هرگونه خدمات نقل و انتقال ریالی را عملیات بانکی دانسته و به داشتن مجوز لازم از بانک مرکزی منوط نموده است. همچنین بر اساس ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی ممنوع است. عملیات بانکی در این قانون به امر واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجوه، سپرده و ودیعه و موارد مشابه از جمله رمز ارزها تحت هر عنوان اطلاق می‌گردد بعلاوه طبق مصوبه ... شورای عالی مبارزه با پولشویی که در اعلامیه ... خود اعلام داشته است به‌کارگیری ابزار بیت کوین و سایر ارزهای مجازی در تمام مراکز پولی و مالی کشور ممنوع اعلام شده و از آنجایی که انواع ارزهای مجازی از این قابلیت برخوردار هستند که ابزاری برای پولشویی و تأمین مالی تروریسم و بطور کلی جابه‌جایی منابع پولی مجرمانه بدل شود، حوزه نظارت بانک مرکزی برای پیشگیری از وقوع جرایم از طریق ارزهای مجازی، موضوع ممنوعیت به‌کارگیری ارزهای مجازی را به بانک‌ها ابلاغ کرده است. همچنین طبق مصوبات ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ و ۱۳۹۹/۰۷/۱۳، هیئت وزیران اعلام شده: استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول و مسئولیت خطرپذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می‌گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست؛ ... علاوه بر موارد مرقوم در مورد عملیات انجام شده موضوع پرونده از بانک مرکزی استعلام که در پاسخ چنین اعلام نموده: به استناد بند ۱ مصوبه شماره ۵۸۱۴۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ هیأت محترم وزیران کلیه مبادلات رمزارزها در داخل کشور غیر مجاز بوده و... لذا این بانک با تأکید بر ممنوعیت مبادلات موصوف و اطلاع‌رسانی در خصوص مخاطرات گسترده پدیده رمزارزها این امر را طی اطلاعیه‌های مورخ به صورت عمومی اطلاع‌رسانی نموده است... و هرگونه فعالیتی که متضمن واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجه و سپرده و... از سوی هر شخصی بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع بوده و مستلزم اخذ مجوز تأسیس و فعالیت از بانک مرکزی می‌باشد، لذا اشتغال به آن حسب مورد مشمول مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط از جمله ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور، ماده ۲۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و ماده ۱۴ قانون برنامه ۶ توسعه می‌گردد». [همچنین با استناد دادگاه به اطلاعیه‌های بانک مرکزی مبنی

بر انحصار انتشار رمزارز با پشتوانه برای بانک مرکزی و غیرمجاز بودن ایجاد و اداره شبکه پولی و پرداخت مبتنی بر فناوری زنجیره بلوک از نظر این بانک و حق پیگرد قانونی برای بانک مرکزی و ... [و این استنتاج که چنانچه افرادی خارج از ضوابط و مقررات تعیین شده از سوی بانک مرکزی اقدام به فعالیت در زمینه رمزارزها نمایند اقدامات این افراد غیرقانونی بوده و اگر موجب گردش مالی فوق‌العاده در زمینه خریدوفروش رمزارزها شود بطوریکه شرایط اخلال در نظام پولی و اقتصادی کشور را فراهم نماید عمل ارتكابی طبق قانون جرم محسوب خواهد شد و نظر به اقدامات انجام شده از سوی صرافی ... و مدیر عامل آن...، مجموع فرایند انجام شده از مصادیق اخلال در نظام پولی تشخیص داده شد. هیأت قضایی دادگاه مجرمیت متهمین ... و شخصیت حقوقی ... را در حد مشارکت در اخلال کلان در نظام اقتصادی کشور از جهت اخلال در نظام پولی از طریق معاملات رمزارزی و انتشار رمز ارز بصورت غیرمجاز و تحصیل اموال شکات به صورت نامشروع و غیرقانونی و غیرمجاز به میزان ... و مستنداً به مواد ۲۱۱ و ۱۲۵ و بند ۴ از ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی و با استناد به بند الف از ماده ۱ به علاوه ماده ۲ و تبصره ۴ ذیل آن از قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و توجهاً به بند دال از ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی دائر بر اینکه در صورتیکه مجموعه اعمال ارتكابی در قانون عنوان خاص مجرمانه داشته باشند مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات عنوان خاص محکوم می‌گردد حکم بر محکومیت صادر و اعلام می‌گردد...^۱

۲-۲. نقد ادله و جرایم انتسابی

در رابطه با رأی فوق و استدلال و استنادهای آن نیز همچنان انتقادهای فنی و حقوقی که نسبت به پرونده کینگ مانی مطرح شد، وجود دارد، اما وجه متمایزی که در این پرونده حائز توجه است، این‌که از نظر ماهوی در پرونده کریپتولند برداشت از قوانین و مقررات اندک در حوزه رمزارزها نسبت به تصدی صرافی و ایجاد حلقه ارتباطی بین آن و اخلال کلان در نظام اقتصادی کشور به درستی صورت نپذیرفته است.

در این پرونده به دفعات نسبت به غیرمجاز بودن صرافی کریپتولند و عدم اخذ مجوز توسط آن اشاره و تأکید شده است و وجه استدلال و پایه نظریه دادگاه در استنتاج رفتار مجرمانه قرار گرفته است. همانطور که در نظریه قضایی ملاحظه گردید، قوانین مختص تصدی‌گری بنگاه‌های پولی و ارزی مورد استناد قرار گرفته است که هیچ ارتباطی با حوزه رمزارزها ندارند و از سویی دیگر، به

۱. دادنامه شماره ۱۱۸۴۲۹۱۹/۱۴۰۲۶۸۳۹۰، مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۹، شعبه ۵ دادگاه انقلاب اسلامی شهرتهران ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران، دادگستری کل استان تهران.

آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اندک حوزه رمزارزها که توسط مراجع دولتی شامل هیأت وزیران، بانک مرکزی و ... تدوین شده است، استناد می‌شود و چنین برداشت شده است که بانک مرکزی و بطور کل نظام اجرایی کشور هرگونه اداره شبکه پولی و پرداخت پولی و انتشار رمزارز بر اساس فناوری بلاک چین را ممنوع اعلام کرده است. شایان ذکر است در زمان رسیدگی به این جرم نیز قانون جدید بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰ هنوز مصوب نشده بود.

اینک سوال نخست آن است که آیا به طور کلی دستگاه‌های نظارتی و اجرایی امکان تقنین و جرم‌انگاری دارند؟ این در حالی است که در نظام حقوقی کنونی بر اساس تصریح مصوبه هیأت وزیران، صرفاً دستگاه‌های دولتی از مبادلات رمزارزی منع شده‌اند. لذا در شرایط فقدان منع قانونی، کاربران عادی امکان تولید، توزیع، خرید و فروش و به طور کل امور مربوط به بلاکچین و رمزارز را دارند و صرفاً این مراودات بر اساس تصویب‌نامه هیأت وزیران از حمایت قانون برخوردار نمی‌باشد و ریسک آن بر عهده خود کاربران است. در نتیجه در زمانی که جرم‌انگاری صورت نپذیرفته و هیچ سازمان و ارگانی در کشور متولی اعطای مجوز به صرافی‌ها و فعالیت‌های حوزه رمزارز نمی‌باشد عبارت غیرمجاز در خصوص فعالیت صرافی‌های مزبور فاقد معنا و مبنا خواهد بود. مزید بر اینکه برداشت جرم از تصویب‌نامه دستگاه‌هایی که صلاحیت جرم‌انگاری را دارا نمی‌باشند؛ خلاف فلسفه نظام عدالت کیفری است. هم‌اکنون بیش از چند صد صرافی رمزارز در کشور بدون مجوز صرافی از بانک مرکزی مشغول به فعالیت می‌باشند و افراد کثیری در جامعه در حال استفاده از رمزارزها در زندگی عادی و تجاری خود هستند. در نتیجه استدلال به غیرمجاز بودن صرافی و ارتباط آن به عناصر جرم اخلال در نظام اقتصادی خالی از نقد نیست. اگر قرار بر برخورد کیفری و تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور است چرا در خصوص این صرافی‌ها که علناً و با تبلیغات گسترده در فضای مجازی و حتی تبلیغاتی محیطی در کشور فعال هستند برخورد نشده است و حتی امتیازات بانکی از جمله درگاه‌های پرداخت اینترنتی در اختیار آن‌ها قرار گرفته است؟

همچنین باید توجه داشت که در خصوص جرم اخلال در نظام اقتصادی، بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور بیان می‌دارد: «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا واردکردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن» که این بند به اخلال در نظام پولی و یا ارزی از طریق موارد احصاء شده اشاره دارد که هیچ‌یک نمی‌تواند مصداق رمزارز، باشد چرا که رمزارزها مشمول قاچاق عمده ارز موضوع قانون قاچاق کالا و ارز قرار نمی‌گیرد، زیرا مطابق با تعریف مندرج در بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ارز عبارت است از «پول رایج کشورهای خارجی» و تا به حال هیچ رمزارزی پول

رایج هیچ کشوری نبوده است و لذا تحت شمول تعریف ارز قرار نخواهد گرفت. از سوی دیگر، رمزارزها ماهیتاً با پول متفاوت هستند، زیرا مطابق با تعریف مندرج در بند ب ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور «فقط اسکناس و پول‌های فلزی که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و یا طبق این قانون انتشار می‌یابد ...» مشمول تعریف پول قرار می‌گیرد و لذا قانوناً هیچ رمزارزی پول به حساب نمی‌آید. با عنایت به موارد فوق‌الذکر رمزارز نه ارز است و نه پول و نمی‌تواند مشمول قاچاق کالا و ارز موضوع بند الف مار الذکر قرار گیرد. از طرفی عنصر مادی بند الف خروج یا ورود ارز رایج، خارج از ضوابط بانک مرکزی است و این در حالی است که بانک مرکزی و هیئت وزیران کلیه مسئولیت‌های خرید و فروش رمزارزها را بر عهده متعاملین نهاده و ضابطه‌ای برای آن تعریف ننموده است.

همانطور که در پرونده قبلی نیز تبیین گردید، زمانی که اخلال در نظام اقتصادی از طریق کلاهبرداری میسر نخواهد بود؛ بدیهی است از طریق خیانت در امانت و تحصیل مال از طریق نامشروع نیز ممکن نیست و از این جهت رویه قضایی و آراء صادره با چالش مبنایی مواجه است. با امعان نظر به مراتب فوق‌الذکر در بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور، حیطة رفتار مجرمانه مشخص شده است و هیچ‌یک از رفتارهای مذکور در هر دو پرونده مورد بررسی قابل استنباط از قانون فوق نمی‌باشد.

همچنین در خصوص عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع و امکان استناد به آن در خصوص فعالیت‌ها و معاملات رمزارز باید به این نکته اشاره داشت که وفق قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مقرر شده است: «... یا به‌طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر ردّ اصل مال، به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه‌ی نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد». ضمن اینکه تفسیر موسع از این ماده مورد نکوهش قرار گرفته و به اعتقاد برخی این استدلال که قانون‌گذار با تصویب ماده ۲ در صدد بوده تا تحصیل کنندگان مال یا وجه از طریق نامشروع که از شمول جرم کلاهبرداری خارج هستند را مجازات کند، مبتنی بر هیچ دلیل قابل قبولی نبوده و با منطوق قسمت صدر ماده و شرایط آن متعارض و تفسیر به رأی است (آقایی نیا، ۱۳۹۶: ۱)؛ همچنین باید توجه داشت که در خصوص رمزارزها شرط مقرر در ماده مبنی بر اینکه طریق تحصیل وجه فاقد مشروعیت قانونی باشد با استناد به اینکه مشروعیت قانونی را صرفاً مصوبات مجلس شورای اسلامی و مصوباتی که در حکم قانون هستند، مشخص می‌نماید نه مصوبات و آیین‌نامه‌های دولتی، لذا استناد به تحصیل مال از طریق نامشروع نیز در این مورد خالی از اشکال نخواهد بود. در نهایت پیرامون پرونده‌های مزبور و آرای صادره باید گفت با توجه به اینکه تاکنون قانونی در

خصوص رمزارزها تصویب نشده^۱ و هرگونه خرید و فروش رمزارزها جرم‌انگاری نشده است و از طرفی رمزارزها نه پول هستند و نه ارز فیزیکی و کلاهبردای و خیانت در امانت و تحصیل مال از طریق نامشروع صراحتاً قید نگردیده‌اند؛ لذا نمی‌توانند مشمول عنوان اخلال در نظام پولی و بانکی کشور قرار گیرند. همچنین با توجه به اینکه خرید و فروش رمزارز بر بستر بلاکچین و در فضای صرافی آنلاین صورت می‌گرفته و عمده معاملات آن به صورت تبادل با رمزارزهای دیگر بوده است انطباق آن با عنوان نظام پولی و ارزی کشور و به تبع آن نظام اقتصادی با دشواری همراه می‌شود.

نتیجه

طی دهه اخیر رمزارزها به طور فزاینده‌ای مورد استقبال مردم در سراسر دنیا قرار گرفته‌اند و اینک می‌توان آن‌ها را به عنوان پدیده شاخص اقتصادی معاصر که سایر ابعاد حقوقی، سیاسی، امنیتی و... را نیز در جهان تحت تأثیر خود قرار داده‌اند، به شمار آورد. اغلب نظام‌های حقوقی در مواجهه با رمزارزها یک دوره سرگردانی و ابهام را تجربه کرده‌اند چرا که ماهیت خاص این فناوری از یکسو و ویژگی‌های آن از سوی دیگر منجر به سختی تصمیم‌گیری و اتخاذ موضع قطعی برای حاکمیت‌ها شده است. با این حال بهره‌برداری از رمزارزها در قلمرو کشورهای مختلف از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی منتظر قانون‌گذاری نمانده و امروز شاهد آن هستیم که خیل کثیری از افراد، سرمایه و حوزه کسب و کار خود را به این سمت سوق داده‌اند و سرمایه‌های کلانی در بحث رمزارزها در حال گردش و جریان است. متعاقباً مشکلات حقوقی و قضایی عدیده‌ای نیز به واسطه فقدان قوانین و مقررات مشخص و منجز در مقام تعیین تکلیف در صورت بروز ابهام و اشکال و همچنین در موارد سوءاستفاده از بستر بلاکچین و رمزارزها برای ارتکاب جرایم مختلف، حادث گردیده است و این امر نظام‌های حقوقی و به ویژه سیستم عدالت کیفری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

در کشور ما نیز همگام با دیگر کشورها، طی سالیان اخیر رمزارزها به عنوان ابزار سرمایه‌گذاری و مبادله با استقبال چشمگیری از سوی سرمایه‌گذاران و عموم مردم مواجه شده و در عین حال، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را فراروی نظام حقوقی و به طور خاص نظام عدالت کیفری نمودار ساخته و با گذاشتن پرونده‌هایی عظیم و کثیرالشاکی روی دست دستگاه قضا، خلأها و شکاف‌های عمیق در سیاست جنایی و نبود قوانین و رویه شفاف و تخصصی برای مواجهه با جرایم نوظهور را به رخ کشیده است. با بررسی چنین پرونده‌هایی به نوعی می‌توان گفت، پیچیدگی‌های فنی رمزارزها، عدم شناخت

۱. اخیراً قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲ به این مهم پرداخته و بر اساس بند ۱۳ ماده ۴ خود تنظیم‌گری در حوزه رم‌پول‌ها و نظارت بر مبادله آن‌ها در چهارچوب قوانین مربوط را از وظایف و اختیارات بانک مرکزی با رعایت قوانین مربوط دانسته است.

و احاطه کافی مقامات قضایی نسبت به موضوعات ماهوی، دخالت ملاحظات بعضاً غیر حقوقی، در کنار فقدان سیاست جنایی خاص در این حوزه، چالش‌های پرونده‌های کیفری رمزارزها را در نظام حقوقی ایران دوچندان نموده است. این امر نیاز به بازنگری در رویکردهای حقوق کیفری نسبت به جرایم مرتبط با رمزارزها را به وضوح نشان می‌دهد.

در این مقاله در مقام تحلیل و نقد رویه قضایی در خصوص احکام کیفری مرتبط با رمزارزها دو نمونه از پرونده‌های کیفری برجسته و عمده در نظام حقوقی ایران، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با امعان نظر به احکام کیفری مرتبط با رمزارزها در پرونده‌های موسوم به «کینگ‌مانی» و «کریپتولند»، رویکرد رویه قضایی نشان‌دهنده چالش‌های جدی در شناسایی پیچیدگی‌های فنی رمزارزها و تزلزل سیاست کیفری در انطباق صحیح فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها بر عناوین مجرمانه در این حوزه است. در این راستا، برای مثال، اصرار بر جعلی بودن رمزارز و صرافی ساختگی در رویه قضایی، با وجود منتفی بودن فرض جعل رمزارز و به رغم احراز معیارهای فنی اولیه، از ضعف شناخت صحیح پدیده رمزارز در رویه قضایی حکایت دارد. موضوعی که منجر به انتساب عناوین مجرمانه‌ای همچون کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی شده که از منظر مبنای حقوقی محل تردید است. همچنین انتساب عنوان «اخلال کلان در نظام اقتصادی کشور» با لحاظ تطابق عناصر قانونی این جرم با رفتارهای ارتكابی در معاملات رمزارز، نقطه چالش‌برانگیز آراء مذکور به شمار می‌رود. در کنار جرم اخلال در نظام اقتصادی، استناد به عناوین دیگری چون کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع نیز بر اساس جهاتی که در این تحقیق اشاره شد از جمله فقدان منع قانونی در رابطه با معاملات رمزارز، عدم امکان جرم‌انگاری بر مبنای مصوبات دولتی، انصراف رمزارز از ماهیت پول و ارز و عدم تسری قوانین حوزه پول و ارز به رمزارز، تشکیک در عنصر بردن مال در فرض موجود بودن توکن‌ها و استناد غیر مرتبط به رفتار عملیات صرافانی غیر مجاز در خصوص پلتفرم‌های فعال در زمینه رمزارز، قابل انتقاد به نظر می‌رسند.

شایان ذکر است که در تحلیل آرای مورد بررسی در این مقاله هیچ جایگاه قضاوتی وجود نداشته و تنها این آراء از جهت انطباق عناوین مجرمانه با رفتار مجرمین و اوضاع و احوال پرونده مورد نقد قرار گرفته‌اند. بنظر می‌رسد رویه قضایی می‌بایست به سمتی حرکت نماید که ضمن درک جامع و مانع از مباحث فنی رمزارز بتواند فارغ از اهمیت پرونده در جامعه، با عناوین مجرمانه موجود، عنوان کیفری صحیحی را به رفتارهای مختص حوزه بلاکچین و رمزارزها انتخاب کرده و با ناهنجاری‌های این حوزه انطباق دهد تا هم‌میزان موازین و اصول بنیادی عدالت کیفری حفظ شود و هم نسبت به دادخواهی قربانیان جرم و جبران خسارت بزه دیدگان واقعی اقدام شود. در این راستا، آموزش قضات،

ضابطان و کارشناسان تخصصی درباره مفاهیم فنی و حقوقی فناوری‌های رمزازی، می‌تواند از تفسیرهای نادرست و تصمیم‌گیری‌های غیرعلمی جلوگیری به عمل آورد.

باید اذعان داشت یکی از جهاتی که رویه قضایی را در تبیین رفتارها و تحرکات اقتصادی حوزه رمزازها با مشکل و مانع مواجه می‌کند فقدان تعریف معیارها و اصولی است که معرف شرایط صحت معاملات رمزاز و فعالیت‌های مرتبط با آن (نظیر تولید و توزیع) باشند. در واقع ما در حیطه سیاست جنایی به تقنین با هدف توسعه جرم‌انگاری نیازی نداریم بلکه به مقررات‌گذاری در حوزه تبیین ماهیت و معیارهای رمزاز معتبر نیازمندیم.

منابع

فارسی

- ارجمندفر، محمد متین، نرگس فرزانه کندری، و امین تویسرکانی. (۱۴۰۳). چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در جرایم مرتبط با رمزارزها و راهکارها. تهران: قوه قضائیه.
- آفابی‌نیا، حسین. (۱۳۹۶). با تفسیر رایج از قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید به کجا می‌رویم؟. آراء، شماره ۴، ۱-۱۶.
- تاج لنگرودی، محمدحسن و دهدار، فرزین. (۱۴۰۳). چالش‌های استفاده از رمزارزها در نظام حقوقی ج.ا.ایران. حقوق فناوری‌های نوین، دوره ۵، شماره ۹، ۸۷-۱۰۶.
- خادم‌ان، محمود؛ کوشا، ابوطالب و نوری، فاطمه. (۱۴۰۰). شناسایی ماهیت حقوقی رمزارزها با تحلیل ساختاری آن‌ها در نظام حقوقی ایران. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۵، ۳۴۹-۳۷۲.
- خلیلی‌پاچی، عارف، و شاملو، محمدباقر. (۱۴۰۰). جرم‌انگاری در حوزه رمزارزها. مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۱، ۲۹-۶۸.
- رجبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). ارز مجازی؛ قانون‌گذاری در کشورهای مختلف و پیشنهادهایی برای ایران. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شهریور.
- ریاضی‌مند، سید مهران. (۱۳۹۷). بررسی ابعاد حقوقی ارزهای دیجیتال. تهران: برتراندیشان.
- ساورایی، پرویز. (۱۴۰۱). شناخت رمزارز و چالش‌های پیش‌روی نظام‌های حقوقی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵، ویژه‌نامه حقوق و فناوری.
- سمیعی‌زنور، حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و صابر، محمود. (۱۳۹۵). تحلیل جرم "اخلال در نظام اقتصادی کشور" از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق ایران. آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳، شماره ۱۱، ۲۷-۵۲.
- غمامی، سیدمحمد مهدی، و علی‌پور، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مواجهه با رمزارزها در نظام‌های حقوقی ایران و امریکا. دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۲۹، شماره ۲۱، ۱۵۰-۱۸۴.
- فراتی، مریم؛ شاملو، باقر و گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۹). بیت‌کوین؛ پولشویی و راهکارهای مقابله. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۵۵-۷۴.
- کرمی‌پور، مصطفی و رجب‌زاده باغی، مونا. (۱۴۰۲). نقش سیاست کیفری ایران در مدیریت رمزارزها. تمدن حقوقی، دوره ۲۴، شماره ۱۵، ۲۲۵-۲۴۰.
- کمیلی، محمدرضا؛ دانشور ثانی، رضا و گرایلی، محمدباقر. (۱۴۰۰). ماهیت جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور. مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، دوره ۱۵، شماره ۴۳، ۱۳.
- محمدی، امیرحسین؛ میرزایی، فرهاد و صعیدی، یاسین. (۱۴۰۳). سیاست جنایی تقنینی حاکم بر رمزارزها با چشم‌انداز به نظام حقوق کیفری اقتصادی. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، دوره ۶، شماره ۱، بهار، ۲۴۴-۲۵۸.
- محمدی فردویی، عطالله. (۱۳۹۷). بررسی جزایی عناصر بزه جعل رایانه‌ای در حقوق ایران. فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره ۲، شماره ۸، زمستان، ۴۵۹-۴۷۶.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۱). جرایم علیه امنیت و آسایش. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۹). حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اموال و مالکیت. چاپ سی‌ام، تهران: نشر میزان.
- نبوی، سید مهدیو صابر، محمود. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در دادرسی جرایم مرتبط با ارزهای مجازی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۴، شماره ۱، ۱۸۳-۲۰۹.
- نوری، مهدی، و نواب‌پور، علیرضا. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر تنظیم‌گری رمزینهارزها در اقتصاد ایران. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.

لاتین

- Latimer, P., & Duffy, M. (2019). Deconstructing digital currency and its risks: Why ASIC must rise to the regulatory challenge. *Federal Law Review*, 47(1), 121-150.
- Chohan, U.W. (2022). Cryptocurrencies: A Brief Thematic Review. *Economics of Networks Journal, Social Science Research Network (SSRN)*. Archived from the original on 25 December 2017. Available at SSRN 3024330.
- He, D., Habermeier, K. F., Leckow, R. B., Haksar, V., Almeida, Y., Kashima, M., & Kyriakos-Saad, N. (2016). *Virtual currencies and beyond: Initial considerations*. International Monetary Fund.
- Romeo, A. D. (2016). Hidden threat: the dark web surrounding cyber security. *N. Ky. L. Rev.*, 43, 73.
- Grinberg, R. (2012). Bitcoin: An innovative alternative digital currency. *Hastings Sci. & Tech. LJ* 4, 159.
- Woods, Dulani, John S. Hollywood, Jeremy D. Barnum, Danielle Fenimore, Michael JD Vermeer, and Brian A. Jackson. *Cryptocurrency and Blockchain Needs for Law Enforcement*. RAND, 2023.